

دانش آموزان ممتاز علمی، اخلاقی و تربیتی دبیرستان شهید دست داده

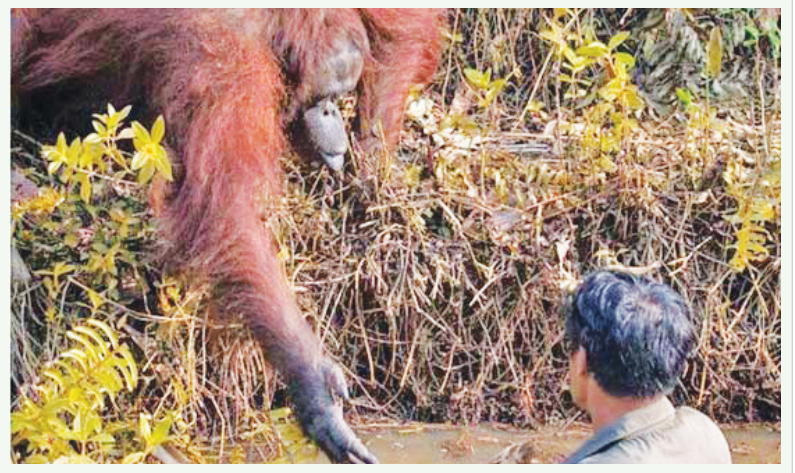
افتخاردارم از تلاش و همت بی وقفه دبیران و سروران گرامی که همواره همچون شمع سوختند تا بتوانند آینده سازان این دیار را با لطف خداوند بسازند، تقدیر و سپاس بیکران به عمل آورم و سر تعظیم بر درگاه بلند احدیت که همسنگری عرصه تعلیم و تربیت سال تحصیلی ۹۹-۹۸ شما خوبان را نصیب ساخت و در نهایت دستان پرمهر همکاران ارجمند آقایان: احمد احیایی، محمد جواد داودی، کرم نسیمی، فردوس شهریاری، عباس عباسی، عبدالرضا بلوردی، سیداصغر اسدی، محسن ضربغامی، اردشیر اسکندری، علیرضا بحرانی، سیدروح اله حسینی، علیرضا عمویی، عزیز اسداللهی فرد و سعید آقایی را به گرمی می فشارم و امیدوارم همچنان سالم و پاینده باشید.

محمد حسین هاشمی کشکولی - مدیر دبیرستان شهید دست داده



محمد کریمی پایه هفتم ممتاز اخلاقی	علی صفرزاده پایه هفتم ممتاز علمی	محمدصادق زندی لک پایه هفتم ممتاز علمی	عارف زندی لک پایه هفتم ممتاز علمی	علیرضا یغوبی پایه هفتم ممتاز علمی	رضا نامداری پایه هفتم ممتاز علمی	حسین زورانی پایه هفتم ممتاز علمی	سپید احمدی پایه هفتم ممتاز علمی	شهاب رضایی پایه هفتم ممتاز علمی	حسام سلیمانی پایه هفتم ممتاز علمی	احمد رزمجویی پایه هفتم ممتاز علمی
اسماعیل ملک زاده پایه نهم ممتاز اخلاقی - تربیتی	علیرضا شابعی پایه نهم ممتاز علمی	حسین محمدزاده پایه نهم ممتاز علمی	مورتضی نوری پایه نهم ممتاز علمی	علی نوری پایه نهم ممتاز علمی	حسین جوکار پایه نهم ممتاز علمی	حسین صادقی پایه نهم ممتاز علمی	ابوالفضل اکبرپور پایه نهم ممتاز علمی	محمود کوهزاد پایه هفتم ممتاز علمی	محمدحسین عباسی پایه هفتم ممتاز علمی	محمد کبابیان پایه هفتم ممتاز اخلاقی
رضا نوری پایه هفتم ممتاز علمی	علی رضایی پایه هفتم ممتاز علمی	امیر حسین پروان پایه هفتم ممتاز علمی	رضا پستو پایه هفتم ممتاز علمی	صادق نامداری پایه هفتم ممتاز علمی	عباس شابعی پایه هفتم ممتاز علمی	یاسین زندی لک پایه هفتم ممتاز علمی	احمد رضا هوشمند پایه هفتم ممتاز علمی	احمد رضا کریمی پایه هفتم ممتاز علمی	حمیدرضا هادی زاده پایه هفتم ممتاز علمی	چاپ عکس دانش آموزان ممتاز در روزنامه طلوع با تکمیف ویژه دانش آموزی دفتر شیراز: ۲۳۴۴۷۷۲ دفتر کازرون: ۲۲۲۹۲۴۶

کمک اورانگوتان به محیطبان



مرد محیطبان که در رودخانه عمیق پر از مار گرفتار شده بود با صحنه باورنکردنی پیشنهاد کمک از سوی یک اورانگوتان مواجه شد. دوستش (اورانگوتان) روبرو شد. بنا به گفته آتیل این مأمور محیطبانی در پایان از گرفتن دست این جانور به دلیل غیر اهلی بودن آن خودداری کرد. گفتنی است؛ سازمان حفاظت از اورانگوتانها، سازمانی است که در سال ۱۹۹۱ در اندونزی برای محافظت از این جانور در معرض خطر انقراض تأسیس شده است. این سازمان بیش از ۴۰۰ کارکنان دارد که وظیفه حفاظت از ۶۵۰ اورانگوتان را بر عهده دارند.

مرد محیطبان که در رودخانه عمیق پر از مار گرفتار شده بود با صحنه باورنکردنی پیشنهاد کمک از سوی یک اورانگوتان مواجه شد. دوستش (اورانگوتان) روبرو شد. بنا به گفته آتیل این مأمور محیطبانی در پایان از گرفتن دست این جانور به دلیل غیر اهلی بودن آن خودداری کرد. گفتنی است؛ سازمان حفاظت از اورانگوتانها، سازمانی است که در سال ۱۹۹۱ در اندونزی برای محافظت از این جانور در معرض خطر انقراض تأسیس شده است. این سازمان بیش از ۴۰۰ کارکنان دارد که وظیفه حفاظت از ۶۵۰ اورانگوتان را بر عهده دارند.

مرد محیطبان که در رودخانه عمیق پر از مار گرفتار شده بود با صحنه باورنکردنی پیشنهاد کمک از سوی یک اورانگوتان مواجه شد. دوستش (اورانگوتان) روبرو شد. بنا به گفته آتیل این مأمور محیطبانی در پایان از گرفتن دست این جانور به دلیل غیر اهلی بودن آن خودداری کرد. گفتنی است؛ سازمان حفاظت از اورانگوتانها، سازمانی است که در سال ۱۹۹۱ در اندونزی برای محافظت از این جانور در معرض خطر انقراض تأسیس شده است. این سازمان بیش از ۴۰۰ کارکنان دارد که وظیفه حفاظت از ۶۵۰ اورانگوتان را بر عهده دارند.

گفتگو با دانشجوی ایرانی ساکن چین که این روزها با «قهوه» به چشم‌بادامی‌ها محبت می‌کند؛ مهربانی «کافی» ست!



زودیک کافی شاپ رسید. گرمی تعریف می‌کند که، یکی دیگر از بیمارستان‌ها هم درخواست داد تا به آنها نوشیدنی سرد و گرم برسانیم. حالا سبنا می‌گوید که روزانه، حدود ۴۵۰ تا ۶۰۰ قهوه سرد و گرم به بیمارستان‌ها می‌رسانند.

مهربانی جانانه

حدود ده روز پیش که هواپیمای، به شهر ووهان رفت تا دانشجویان ایرانی را که در ووهان بودند، به کشور بازگرداند، برخی از دانشجویان و اتباع ایرانی که در این شهر اقامت داشتند، سوار هواپیمای شدند تا به ایران بیایند. یکی از آنها، سبنا بود. برادرش اما به ایران بازگشت و امروز به همراه دانشجویان در قرنطینه است، سبنا اما در شهر قرنطینه شده ووهان مانده است؛ شهری که مردمش از ترس ابتلا به ویروس خود را در خانه‌ها محبوس کرده‌اند و بیرون نمی‌روند. حالا هر روز به تعداد متلائیان اضافه می‌شود و هر روز، موج جدیدی از این ویروس شیوع پیدا می‌کند. با این شرایط، عقل سلیم حکم می‌کند که به‌قول معروف یک پای دیگر قرض بگیرند و شهر بحراندزده را ترک کنند. سبنا اما در شهری که خطر مرگ در آن وجود دارد، مانده است و حتی کار می‌کند. وقتی از دلیل ماندنش در شهری که ویروس در آن هنوز جولان می‌دهد، می‌پرسیم، جواب ساده‌ای می‌دهد: «همه مردم در شهر ووهان ترسیده‌اند، من هم ترسیده‌ام اما تصمیم گرفتم که پیش دوستان و مردم شهر بمانم تا با کارم، به آنها قوت قلب بدهم.» او توضیح می‌دهد که مردم چین با خارجی‌ها خیلی مهربان هستند و همین مهربانی باعث شده تا او بخواهد، مهربانی‌شان را با مهربانی، جبران کند. بعد می‌خندد و می‌گوید: دعا کنید که ویروس به سراغ ما نیاید.

روزهای شلوغ

در شرایطی که تمام مردم شهر در قرنطینه‌اند، عبور و مرور محدود است و مردم اجازه دارند تنها هر ده روز یک‌بار برای خرید و تأمین مایحتاج روزانه از خانه‌هایشان خارج شوند، این گروه اما به شکل

شغلی بگیرد. تا دو سال، او با همین شغل، روزگار می‌گذراند تا این که ویروس کرونا، پایش را می‌گذارد در خیابان‌های شهر ووهان. بعد از شیوع ویروس، شهر به حالت قرنطینه درآمده و عبور و مرور در خیابان‌ها هم محدود و قذف شده است. در شرایطی که هرروز تعداد متلائیان بیشتر می‌شود و در بسیاری از مغازه‌ها و فروشگاه‌ها بسته است و برخی از کسب‌وکارها هم از رونق افتاده‌اند، همکاران سبنا دورهم جمع شده‌اند تا کاری انجام دهند. هنوز روزهای اول شیوع ویروس کرونا بود و تعداد افراد مبتلا هم کم بودند و حتی هنوز هیچ تبعه خارجی هم از چین خارج نشده بود. شرایط اما به نحوی بود که ترس به جان مردم افتاد و خیلی‌ها از بیماری جدید می‌ترسیدند، همه این‌ها باعث شد تا گروه کوچک هفت نفره سبنا و دوستانش کاری برای بالا بردن روحیه مردم شهرشان انجام دهند.

نهضت قهوه‌ای

سبنا تعریف می‌کند که همان شب، هر کدام از کارکنان، ایده‌شان برای بالا بردن روحیه مردم شهر را مطرح کردند، اما یک نفر از همه ایده‌اش بهتر بود: «یکی از همکارانم پیشنهاد داد تا به پرستاران و پزشکانی که به‌طور داوطلبانه در بیمارستان‌ها مشغول به کار شده‌اند، قهوه و شیر قهوه رایگان بدهیم.» صبح روز بعد، پس از این که مأموران کنترل خیابانی، تب و درجه حرارت هر کدامشان را چک کردند و اجازه ورود به خیابان و بعد مغازه را دادند، دست‌به‌کار شدند و قهوه و شیرشان را جوشاندند تا ساده و بی‌ادعا، به یکی از بیمارستان‌های نزدیک کافی‌شاپ قهوه سرد و گرم برسانند. طعم نوشیدنی‌ها برای کارکنان بیمارستان، آنقدر دل‌چسب بود که گروه کوچک به این فکر افتادند تا به دیگر بیمارستان‌های نزدیک هم قهوه برسانند. به خاطر همین، در یکی دو روز اول، تنها به یکی از بیمارستان‌های نزدیک، قهوه و شیر قهوه می‌رسانند، اما بعد بیمارستان‌ها بیشتر شدند تا این که بعد از ۱۸ روز، این تعداد به پنج بیمارستان

ترس افتاد به جانان‌ها اما بعد که کرونا با همه‌شان دست‌به‌یقه شد و تا لحظه نوشتن این گزارش، حدود ۶۸ هزار نفر را مبتلا کرده و نفس حدود ۱۶۶۵ نفر را هم بند آورده و جانانشان را گرفته است، در شرایطی که بسیاری از چشم‌بادامی‌ها از ترس ویروس، از خانه‌های خود خارج نمی‌شوند و خیلی از خارجی‌ها، از ووهان قرنطینه شده و حتی از کشور چین، خارج شده‌اند، هنوز هستند افرادی که برای بهتر شدن شرایط از جانانشان مایه می‌گذارند، افرادی که چینی هم نیستند.

سبنا گرمی یکی از این افراد است یک جوان ایرانی که در شهر ارواح مانده و برای پزشکان و پرستارانی که در بیمارستان‌های شهر به بیماران خدمات‌رسانی می‌کنند، قهوه آماده می‌کند. مهربانی که ویروس کرونا هم نتوانسته، جلوش را بگیرد.

دو سال پیش که سبنا ۲۹ ساله، به همراه برادرش از شهر ایده استان لرستان، ویزای تحصیلی گرفتند و راهی شهر ووهان شدند، فکرش را نمی‌کردند که داستان یک سفر تحصیلی ساده، به اینجا ختم شود، به‌جایی که حالا، امروز، یکی از برادران، تبدیل به قهرمان ملی کشور ژوهای زرد شود.

از دانشگاه تا قهوه‌خانه

سبنا صدایش خسته است اما باحوصله جواب می‌دهد. با اینکه به قول خودش، هر روز، بدون خستگی در حال کار کردن است، درحالی که صدای دستگاه قهوه‌جوش می‌آید و از آن‌طرف مراقب است تا شیر هم سر نرود، آرام داستان را از ابتدا تعریف می‌کند. سبنا به ما می‌گوید: «اول با ویزای تحصیلی وارد چین شدم. قرار بود در یکی از شرکت‌های بزرگ چین پیدا می‌کند و به‌عنوان بارستا (قهوه‌چی) در یکی از شعب این شرکت کافی‌شاپی، مشغول به کار می‌شود. رضایت شغلی باعث می‌شود او قید درس‌ومشق را بزند و حتی ویزای اقامتش را تغییر دهد و این بار ویزای